کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

از من تا خدا

تربیت دینی

پایهٔ هشتم

دورهٔ اوّل متوسطه

(اجرای آزمایشی)

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

درس چهارم

رمز شجاعت

۱- چرا اصحاب کهف با وجود خطرات، جرأت کردند ایمان خود را در برابر دقیانوس علنی کنند؟

من و بشیر هنوز در کاخ بودیم. تملیخا و دوستانش عقیده‌شان را اعلام کرده و دقیانوس و درباریان شگفت‌زده بودند و نمی‌دانستند باید چه‌کار کنند. همه درِ گوش هم پچ‌پچ می‌کردند و فضا آشفته شده بود. تملیخا و دوستانش وزیران شاه بودند و او در کارهایش با آنها مشورت می‌کرد. بنابراین، دقیانوس نمی‌توانست به همین راحتی آنها را مجازات کند.

من که به‌جای تملیخا و دوستانش ترسیده بودم، درِ گوش بشیر گفتم: «آنها چطوری جرئت کردند در این جمع ایمانشان را علنی کنند؟»

جواب سؤال ۱ قسمت اول

بشیر سرش را به گوشم نزدیک کرد و گفت: «تملیخا و دوستانش خودشان را بندهٔ خدا می‌دانند. کار بنده چیست؟ اطاعت از ربّ.

۲- این آیه شریفه بر چه چیزی تأکید می کند؟

بر یگانگی خدا و قدرت مطلق او. پس او شایسته بندگی است.

رَبُّ السَّماواتِ وَ الأَرضِ وَ ما بَینَهُما فَاعبُدهُ وَ اصطَبِر لِعِبادَتِهِ هَل تَعلَمُ لَهُ سَمِیًّا.

[پروردگار تو] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد [است]. پس او را بندگی کن و در راه عبادتش صبر داشته باش. آیا کسی را همانند او می‌یابی؟![1]

جواب سؤال ۱ قسمت دوم

بنده مطمئن است اگر کارش را خوب انجام دهد، خدا کار خودش را بلد است و آنچه را که به صلاح بندهٔ اوست، پیش خواهد آورد. چنین ایمانی باعث آرامش و شجاعت انسان می‌شود.»

بعد مکث کرد تا من فکر کنم. کمی که گذشت، گفت: «این‌گونه بود که تملیخا و دوستانش با عمل به وظیفهٔ بندگی خود و سپردن نتیجهٔ کار به خدا، جرئت کردند از توحید حرف بزنند و خدایی دقیانوس را انکار کنند.»

۳- تملیخا و دوستانش با عمل به وظیفه ی بندگی خود به چه چیزهایی دست یافتند؟

اتفاقاً من هم با وجود بگومگوهای درونی‌ام، نیازمند شجاعت بودم تا راه درست را بدون ترس، انتخاب کنم و انتخابم را هم بدون ترس بر زبان آورم. اینجا بود که تازه فهمیدم چرا بشیر برای حل

جواب سؤال ۳: ۱- نتیجه کارهایشان را به خدا سپردند. ۲- جرأت کردند از توحید حرف بزنند و خدایی دقیانوس را انکار کنند

۱ـ سوره مریم، آیهٔ ۶۵

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

نتیجه‌گیری :این بیت، کلید "رمزشجاعت" است: اگرباورکنی جهان، ملک خداست ⟵از هیچ کس نمی‌ترسی .
اگرباورکنی فقط بندهٔ خدا هستی ⟵فقط برای او کار می‌کنی
این باور، همان چیزی است که: به تملیخا جرات داد در برابر دقیانوس بایستد. به امام رضا(ع) جرات داد در برابر دانشمندان درباری مناظره کند .
به شما جرات می‌دهد در برابر فشار جمع مقاومت کنید پس شجاعت، رازش را از این باور می‌گیرد که: "جهان، ملک خداست و من، بندهٔ ا

دربارهٔ مفهوم بیت زیر و ارتباط آن با موضوع درس با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

خدایا جهان پادشاهی تو راست زما خدمت آید خدایی تو راست[1]

ترس از تمسخر
ترس از تنها ماندن
ترس از برچسب خوردن

٤- آیا شما هم در موقعیتی شبیه راوی بوده اید؟ چه ترس هایی مانع انجام راه درست شد؟

این مشکلم، مرا به زمان اصحاب کهف برده است.

به بشیر گفتم: می‌خواهم کمی از ترس‌هایم را برای تو بگویم و تو هم چیزی بگویی تا هم راه را پیدا کنم و هم دلم آرام شود. بشیر قبول کرد و من شروع کردم:

جواب سؤال ٤

ــ گاهی اتفاق می‌افتد که مرا به جایی دعوت می‌کنند که اصطلاحاً مجلس گناه است. می‌ترسم تذکر بدهم. وقتی هم که می‌بینم نمی‌توانم کاری کنم، می‌ترسم مجلس گناه را ترک کنم، چون می‌گویم نکند دیگران مسخره‌ام کنند یا از دستم ناراحت بشوند.

جواب سؤال ٥

بشیر گفت: «اگر وظیفه‌ات تذکر دادن است، تذکر بده و اگر باید مجلس را ترک کنی، بلند شو و بیرون برو. اگر وظیفه‌ات این بود که در مجلس گناه بنشینی تا دل دیگران را به دست آوری، خدا دستورش را صادر کرده بود. راضی کردن آنها وظیفهٔ تو نیست، دل‌ها به دست خداست، پس به خودش بسپار.

٥- اگر در موقعیت یا مجلس گناه قرار گرفتید ، چه وظیفه ای دارید و رضایت و خشنودی خدا در چیست؟

گفتم: «اصلاً مجلس گناه به کنار. من می‌دانم که باید دستورهای خدا را اجرا کنم، امّا گاهی که می‌خواهم این کار را بکنم، می‌ترسم که دیگران با من مخالفت کنند. تلاش می‌کنم که هر طور شده آنها را با خودم همراه کنم. وقتی موفق نمی‌شوم، به هم می‌ریزم.»

جواب سؤال ٦

بشیر گفت: «وظیفهٔ تو گوش دادن به دستور خداست. دستور خدا را انجام بده و در جایی که باید مهربان باشی، مهربان باش، در جایی که باید محکم باشی، محکم باش، در جایی که باید گذشت کنی، گذشت کن و خیالت راحت باشد که خدا با توست.»

اسم گذشت که آمد، یاد یکی دیگر از ترس‌هایم افتادم و گفتم: «من گاهی که می‌خواهم گذشت کنم، می‌ترسم که دیگران فکر کنند گذشت من از سر بی‌عرضگی و ضعف است.»

جواب سؤال ٧

بشیر گفت: «تو وظیفه‌ات را انجام بده و بقیه‌اش را بسپار به خود خدا. ذهن و دل مردم که دست تو نیست، دست خداست.»

حرفمان به اینجا که رسید، به بشیر گفتم: «هر چه می‌گویم که می‌گویی به خدا بسپارم.»

٦- راوی در موقعیّت گناه، به خاطر ترس از مخالفت دیگران ، تلاش می کندآن ها را با خود همراه کند، شما مانند بشیر چه جواب محکمی به او می دهید؟

۱ـ نظامی گنجوی

٧- راوی می گوید:گذشت دیگران ممکن است نشانه ضعف و بی عرضگی او باشد، در چنین موقعیتی چه پاسخی به او می دهید؟

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۸- چرا بشیر در پاسخ راوی از این جمله زیاد استفاده می کرد: نتیجه (بقیه) کارها را به خدا واگذار کن؟

جواب سؤال ۸

بشیر لبخندی زد و گفت: «درست فهمیدی. ما کاری جز بندگی نداریم. بندگی که کردیم، بقیهٔ کارها را باید بسپاریم به خدا. تو خدا نیستی و خدایی کردن را بلد نیستی، پس اگر بخواهی در کار خدا دخالت کنی، جز نگرانی و اضطراب چیزی به دست نمی‌آوری. کسانی مثل تملیخا و دوستانش اگر این قدر محکم و با انرژی کارشان را انجام می‌دادند، برای این بود که نیروی خودشان را صرف بندگی می‌کردند و در کار خدا دخالت نمی‌کردند.»

جواب سؤال ۸ : این جمله کلید آرامش و شجاعت است زیرا : ۱- باعث رهایی از استرس ی شود.

۲- سبب تمرکز بر وظیفه می شود. ۳- نشانه ایمان عملی است.

گاهی "رنگ جماعت" با ارزش‌های انسانی و دینی در تضاد است

گفتم: خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو!

گفت: شاید رنگ جماعت، چیزی باشد که قبولش نداشته باشی.

گفتم: چاره چیست؟ وقتی تو در جامعه زندگی می‌کنی، برای اینکه راحت باشی، باید به رنگ جماعت باشی.

گفت: کمی تاریخ بخوان و ببین انسان‌های بزرگ و اثرگذار در طول تاریخ، نه تنها به هر قیمتی رنگ جماعت را نگرفتند، بلکه تلاش کردند رنگ جماعت را به چیزی که درست می‌دانند تغییر دهند.

گفتم: مگر من هم می‌توانم مثل آنها شوم؟

گفت: اگر به خودت نگاه کنی، جز ضعف چیزی نمی‌بینی. به خدا اعتماد کن که بر هر کاری تواناست.

پیامبران و مصلحان، "جریان‌ساز" بودند نه "جریان‌پذیر"

وقتی به ضعف خودت نگاه کنی می‌ترسی؛ وقتی به قدرت خدا نگاه کنی، قادر به هر کاری می‌شوی

۹- اگر « همرنگ جماعت شدن » شرط آرامش و راحتی در جامعه است، آیا انسان های بزرگ و تاریخ ساز، هرگز به آرامش واقعی رسیده اند؟

ایستگاه تفکر

با دوستانتان همفکری کنید که آیا موارد زیر نیز می‌توانند نمونه‌هایی از شجاعت باشند؟ دلایل خود را بیان کنید.

۱ بیان حرف حق

۲ دوری از گناه

۳ مخالفت با عقاید خرافی

نتیجه‌گیری برای دانش‌آموزان:

شجاعت فقط شمشیرزدن و جنگیدن نیست؛

گاهی "نه" گفتن به یک درخواست نادرست،

گاهی سکوت نکردن در برابر یک حرف ناحق،

و گاهی ایستادن در برابر یک باور غلط، بزرگ‌ترین شجاعت‌های زندگی است.

این‌ها همان شجاعت‌های روزمره است که از ایمان به ربوبیت خدا سرچشمه می‌گیرد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱۰- علنی شدن ایمان تملیخا و دوستانش چه فایده ای برایشان داشت؟ آنها نمی توانستند ایمانشان را مخفی کنند تا به دردسر نیفتند؟

چون دوست داشتم از کارهای اصحاب کهف بیشتر سر در بیاورم، دوباره برگشتم به داستان تملیخا و دوستانش و به بشیر گفتم: «علنی شدن ایمان آنها چه فایده‌ای برایشان داشت؟ آنها می‌توانستند ایمانشان را مخفی کنند تا به دردسر نیفتند.»

جواب سؤال ۱۰

بشیر گفت: «وقتی تاریکی، همه‌جا را فراگرفته و حقیقت رو به فراموشی‌ست، باید فریاد زد تا مردم بیدار شوند. آنها هم ایمانشان را علنی کردند تا شاید کسی به خدا رو بیاورد. از طرفی، فریاد آنها برای آیندگان ماندگار شد و بعدها عدهٔ زیادی را از شرک دور کرد.»

دیگر حواسمان به دربار و حوادثش نبود. بشیر حرف‌های زیادی برای گفتن داشت:

ــ تملیخا و دوستانش ثروتمند بودند، و زندگی راحتی داشتند، پادشاه دوستشان داشت و با آنها مشورت می‌کرد. اما هیچ‌کدام باعث نشد آنها به گمراهی مردم بی‌اعتنایی کنند و به زندگی راحت خودشان ادامه دهند.

۱۱- به نظر شما، چه چیزی باعث می شود انسان هایی دارای امتیازات مادی، راحتی خود را رها کنند و برای هدایت دیگران خطر کنند؟

جواب سؤال ۱۱

۱- مسئولیت پذیری نسبت به مردم ۲- به خاطر تأثیر ایمان بر تغییر نگرش به ثروت و قدرت

سخنی با والدین

پدر و مادر گرامی!

آیا نیاز به محبت، از نیازهای ضروری نیست؟ زیاده‌روی در محبت چیست؟

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أَنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

مناجات

خوشبختم که تو سرپرستم هستی!

فاطِرَ السَّماواتِ وَالأَرضِ

خدای من؛ ای خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده‌ای!

أَنتَ وَلِیّی فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ

چقدر خوشبختم که تو در دنیا و آخرت سرپرستم هستی.

تَوَفَّنی مُسلِمًا وَ أَلحِقنی بِالصّالِحینَ

کمکم کن مسلمان زندگی کنم و مسلمان از دنیا بروم. در قیامت نیز مرا به بندگان نیکوکارت ملحق گردان.

◆ مناجات حضرت یوسف علیه‌السلام با خدا، سورهٔ یوسف، آیهٔ ۱۰۱.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱۲- یاسر ، خادم امام رضا علیه‌السلام از طرف مأمون چه پیامی را به امام رسانده است؟

قصه: مناظرهٔ دو دانشمند با امام رضا علیه‌السلام

من حسن بن محمد، یار امام رضا علیه‌السلام هستم. می‌خواهم برایتان قصه‌ای از یک جلسهٔ پرهیجان بگویم:

روزی ما نزد ا[جواب سؤال ۱۲] یزدیم که یاسر، خادم امام، وارد شد و گفت: «مأمون[۱] به شما سلام می‌رساند و می‌گوید علما و بزرگان دین‌های مختلف را جمع کرده‌ام. فردا به مجلس ما بیایید و سخنان آنها را بشنوید.»

۱ـ او از حاکمان بنی‌عباس است که به اجبار امام رضا علیه‌السلام را از مدینه به طوس آورد و سرانجام به امام زهر داد و ایشان را به شهادت رساند.



دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱۳- امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به دعوت مأمون در میان علمای دین چه جوابی برای مأمون فرستاد؟

امام رضا علیه‌السلام فرمود: «سلام مرا به او برسان و بگو من متوجه نیت پنهانی‌ات شدم. إن‌شاءالله صبح نزد شما خواهم آمد.» جواب سؤال ۱۳

من از امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ آنچه در ذهن مأمون بود، پرسیدم. امام فرمود: «دوست داری بدانی چه زمانی مأمون از کار خود پشیمان می‌شود؟»

گفتم: «بله.»

۱۴- هدف امام از پذیرفتن دعوت مأمون برای پاسخ به سؤالات علمای مسیح و یهود چه بود؟ چرا مأمون از دعوت امام پشیمان خواهد شد؟

فرمود: «وقتی ببیند من با مسیحیان با استفاده از انجیل و با یهودیان با استفاده از تورات گفت‌وگو می‌کنم و دلیل هر گروه را جداگانه باطل می‌کنم، طوری‌که آنان سخن خود را رها می کنند و حرف مرا می‌پذیرند.»

جواب سؤال ۱۴

لحظه‌شماری می‌کردم تا صبح فردا برسد؛ هم نگران بودم و هم کنجکاو. نگران از اینکه در مجلس مأمون با امام رضا علیه‌السلام چگونه رفتار می‌شود و کنجکاو نسبت به اینکه امام چگونه پاسخ علما را می‌دهد.

بالأخره شب گذشت و صبح رسید. کاخ پر از جمعیت بود و مأمون مقابل همه، روی تخت سلطنتش نشسته بود و به جمع دانشمندان و یاران امام نگاه می‌کرد.

امام رضا علیه‌السلام وارد شد و جمعیت به احترامش برخاستند. امام نشست و پس از او مأمون نیز نشست. اولین کسی که مأمون صدایش زد تا گفت‌وگو را آغاز کند، عالم بزرگ مسیحیان بود.

از همان ابتدا که امام علیه‌السلام حرف زدن را شروع کرد، پیدا بود که او از عهدهٔ گفت‌وگو با امام برنمی‌آید، اما نمی‌خواست شک

۱۵- امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به باور مسیحیان که عیسی علیه‌السلام را خدا می دانستند، با چه بیانی عقیده آنان را باطل کرد؟

مسیحیانِ حاضر در مجلس، حضرت عیسی علیه‌السلام را خدا می‌دانستند. امام رضا علیه‌السلام سخنی گفت که عقیدهٔ آنها را باطل کرد: «ما به عیسایی ایمان داریم که به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان داشت.[1] تنها ایراد عیسای شما[2] این است که کم روزه می‌گرفت و کم نماز می‌خواند.» جواب سؤال ۱۵

بزرگ علمای مسیحی با تعجب به امام رضا علیه‌السلام نگاه کرد و گفت: «جایگاه علمی خود را از بین بردی و نشان دادی پایهٔ استدلالت ضعیف است. من گمان می‌کردم تو داناترین مسلمانان هستی، اما گویا اشتباه می‌کردم.»

امام فرمود: «مگر چه شده؟»

عالم مسیحی گفت: «به‌خاطر اینکه می‌گویی عیسی علیه‌السلام کم روزه می‌گرفت و کم نماز

۱ـ حضرت عیسی علیه‌السلام پیامبر خدا بود و از طریق وحی الهی می‌دانست در آینده پیامبری خواهد آمد و بشارت آمدن آن پیامبر را به مسیحیان داده و حتی نامش را هم به آنها گفته بود. (ر.ک: سوره صف آیه/ ٦)

۲ـ امام رضا علیه‌السلام از تعبیر «عیسای شما» استفاده کرد تا به او بفهماند عیسایی که شما به آن اعتقاد دارید، وجود خارجی ندارد و اگر هم داشته باشد، چون خداست، پس نباید اهل نماز و روزه باشد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

۱۶- امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به اعتراض دانشمندان مسیحی در باره روزه نگرفتن حضرت عیسی چگونه با دلیل منطقی ثابت کرد عیسی علیه‌السلام خدا نیست؟

می‌خواند. درحالی‌که عیسی علیه‌السلام حتی یک روز را بدون روزه نگذراند و بخش زیادی از شب را مشغول عبادت بود.»

جواب سؤال ۱۶

امام فرمود: «او برای چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟»

دانشمند مسیحی سکوت کرد، زیرا دلیل این پرسش امام رضا علیه‌السلام را متوجه شد. اگر او جواب می‌داد «برای خدا»، باید قبول می‌کرد که پس عیسی خدا نیست.

سپس نوبت به بزرگ علمای یهود رسید. امام از او پرسید: «چه چیزی ثابت می‌کند موسی علیه‌السلام پیامبر

۱۷- امام رضا علیه‌السلام با چه استدلال هایی ثابت کرد که اعتقادات علمای یهود مبنی بر درستی معجزه موسی علیه‌السلام و انکار معجزات پیامبران قبل و بعد موسی علیه‌السلام نادرست است؟

ــ موسی علیه‌السلام معجزاتی برای مردم آورد که پیامبرانِ قبل از او نیاورده بودند.

ــ چه معجزاتی؟

ــ شکافتن دریا، تبدیل کردن عصا به ماری که حرکت می‌کرد، زدن عصا بر سنگ و جوشیدن آب از دل سنگ و ... .

ــ درست می‌گویی. اما مگر این‌طور نیست که اگر کسی [پس از حضرت موسی علیه‌السلام] اعلام نبوت کرد و معجزه‌ای آورد که مردم نمی‌توانستند مانندش را بیاورند، بر شما واجب می‌شود پیامبری او را قبول کنید؟

ــ نه این‌طور نیست. موسی جایگاه ویژه‌ای پیش خدا داشت. ما پیامبری کسی را قبول می‌کنیم که معجزاتش شبیه معجزات موسی باشد.

ــ پس چرا پیامبرانِ پیش از موسی را قبول دارید؟ درحالی‌که آنها دریا را نشکافتند، از دل سنگ چشمه‌ای نجوشاندند و عصایی را به مار زنده تبدیل نکردند!

عالم یهودی از پاسخ گفتن درمانده شد و گفت: «قبول می کنم. اگر کسی معجزه‌ای بیاورد که مردم توانایی آوردنش را نداشته باشند، پیامبر است؛ حتی اگر معجزاتش مانند معجزات موسی نباشد.»

ــ امام رضا علیه‌السلام فرمود: پس چرا به پیامبری عیسی ایمان نمی‌آورید؟ او هم مرده را زنده می‌کرد، کور را شفا می‌داد و از گِل چیزی شبیه پرنده درست می‌کرد و در آن می‌دمید و به اذن خدا پرندهٔ واقعی می‌شد.

ــ ما فقط شنیده‌ایم که عیسی این کارها را می‌کرده، اما خودمان که ندیده‌ایم.

ــ مگر شما خودتان معجزات موسی را دیده‌اید؟ مگر غیر از این است که اخبار زیادی از افراد مطمئن دربارهٔ معجزات موسی به شما رسیده و شما هم آن را قبول کرده‌اید؟

ــ بله همین طور است.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

ــ دربارهٔ معجزات عیسی هم خبرهای راست و درستی به شما رسیده است. چرا خبرها را دربارهٔ موسی قبول می‌کنید اما دربارهٔ عیسی نه؟

عالم یهودی جوابی نداشت. امام دربارهٔ معجزات پیامبر اکرم ﷺ نیز همین استدلال را به کار برد و باز هم عالم یهودی پاسخی نداشت.

هرچه می‌گذشت، مأمون بیشتر می‌فهمید اشتباه کرده است. مجلس مناظره با دانشمندان ادیان نه‌تنها به شکست امام رضا علیه‌السلام منتهی نشد، بلکه بر محبوبیت ایشان نیز افزود.[۱]

برداشت

۱ امام رضا علیه‌السلام با چه شیوه‌ای از توحید دفاع کرد؟

۲ چگونه می‌توان از این شیوه در دنیای امروزی بهره جست؟

۱- ایشان با شیوهٔ استدلالی و منطقی، و با استفاده از کتاب‌های آسمانی خود مخالفان (انجیل و تورات) دفاع کردند؛ بدون تحقیر، با آرامش و در چارچوب فکری طرف مقابل.

۲- در بحث‌ها اول گوش کنیم، سپس با دلایل قابل درک برای طرف مقابل استدلال کنیم.

از مستندات معتبر (چه دینی، چه علمی) استفاده کنیم.

با ادب و احترام بحث کنیم، حتی با کسانی که مخالف ما هستند.

هدف را کشف حقیقت قرار دهیم، نه فقط پیروزی در بحث.

۱ـ عیون اخبارالرضا علیه‌السلام، ج۱، ص ۱۶۷ـ۱۵۵.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنا و طلّاب @Hdehghan۱۳

۱۸- در این داستان، راوی پس از آسیب دیدن پا، همچنان به مسجد می‌رود. این اقدام چه ارتباطی با موضوع اصلی درس یعنی "شجاعت" دارد

احکام: خطا و نماز نشسته!

مرحلهٔ نهایی مسابقات فوتبال محلات بود. تماشاگران زیادی به سالن آمده بودند. حاج‌آقای محمدی هم حضور داشت. در آخرین دقایق، بازیکن حریف روی من خطایی انجام داد. من زمین خوردم و پایم آسیب دید، اما آن خطا یک پنالتی شیرین برای تیم به ارمغان آورد و باعث شد بازی را ببریم.

غروب لنگ‌لنگان به مسجد رفتم. یکی از دوستانم زودتر از من به مسجد آمده بود. ایستادم و با او دربارهٔ بازی امروز حرف زدم. چند دقیقه‌ای که گذشت، حاج‌آقای محمدی آمد. قهرمانی تیم ما را تبریک گفت و از وضعیت پایم جویا شد. من جوابش را دادم و بعد پرسیدم: «راستی، حالا

۱۹- پاسخ حاج‌آقای محمدی ("وقتی می‌توانی پنج دقیقه با بندگان خدا حرف بزنی، با خدا هم می‌توانی") چه پیام تربیتی دربارهٔ اولویت‌بندی در زندگی دارد؟

حاج‌آقا پرسید: «الان چند دقیقه است که در مسجد ایستاده‌ای و داری حرف می‌زنی؟»

گفتم: «دقیقاً نمی‌دانم؛ شاید بیشتر از پنج دقیقه باشد.»

حاج‌آقا لبخندی زد و گفت: «وقتی می‌توانی پنج دقیقه ایستاده با بندگان خدا حرف بزنی، حتماً می‌توانی پنج دقیقه هم بایستی و با خدا حرف بزنی.»

راست می‌گفت. خنده‌ام گرفت و بعد گفتم: «مگر کسی که پا یا کمرش درد می‌کند، نباید نه

۲۰- در چند حالت نماز، ایستادن (قیام) واجب است؟ آن ها را بنویسید.

حاج‌آقا دستم را گرفت و گفت: «فعلاً بیا چند دقیقه بنشین تا برایت بگویم.»

هنوز وقت اذان نشده بود؛ چند نفری دورمان جمع شدند. حاج حسین آقا به همراه علی آقا هم سر رسیدند و به جمع ما پیوستند. حاج‌آقا گفت: «در چهار جای نماز، واجب است بایستیم؛ که به آن قیام می‌گویند. قیام در حالت تکبیرةالاحرام، قیام قبل از رفتن به رکوع، قیام هنگام خواندن حمد و سوره و تسبیحات اربعه و قیام بعد از رکو

۲۱- در بین ٤ قیام واجب نماز، کدام رکن و کدام غیر رکن است؟ احکام آن ها را بنویسید.

دو تای اول، رکن نماز است؛ یعنی چه عمداً و چه سهواً ترک شود، نماز باطل می‌شود. اما دو قیام بعدی رکن نیست؛ یعنی اگر عمداً ترک شود، نماز باطل می‌شود و اگر سهواً ترک شود، اشکالی ندارد.»

سپس رو کرد به حاج حسین آقا و گفت: «شما که ماشاءالله احکام را خوب بلد هستید، بگویید کسی که پایش درد می‌کند، آیا می‌تواند نشسته نماز بخواند؟»

حاج حسین آقا گفت: «راستش بعضی‌ها به قدری نازک‌نارنجی هستند که اگر نوک شست پایشان هم به دیوار بخورد، نشسته نماز می‌خوانند.»

جواب سؤال ۱۸ : این عمل نشان‌دهندهٔ **شجاعت معنوی** است؛ همان‌گونه که تمیلخا و یارانش با وجود خطر، ایمان خود را حفظ کردند، راوی نیز با وجود درد و ناراحتی به عبادت و انجام تکلیف الهی پایبند می‌ماند.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

مردم خندیدند و او ادامه داد: **۲۲- در چه شرایطی می‌توان نماز را نشسته خواند؟**

ــ حالا شوخی به‌کنار، در دو صورت انسان می‌تواند نمازش را نشسته بخواند. اول اینکه اصلاً نتواند بایستد، مثل کسی که پایش شکسته و نمی‌تواند روی پایش بایستد. دوم اینکه اگر هم بتواند بایستد، اما ایستادن برایش واقعاً ضرر داشته باشد.

حاج‌آقا بعد از صحبت‌های حاج حسین آقا گفت: «این نکته را هم بگویم: وقتی به دیدار یک انسان شریف و بزرگ می‌رویم، همان اندازه که عظمتش را در نظر داریم، همان اندازه هم به آداب حضور نزد او توجه می‌کنیم. قیام یکی از قشنگ‌ترین قسمت‌های نماز است. بنده وقتی به نماز می‌ایستد، خوب است حواسش باشد در برابر خدایی به نماز ایستاده و با او حرف می‌زند که خدای عالم است. آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین، به بنده‌اش اجازه داده با او حرف بزند. پس بهتر است مانند بنده‌ای به نماز بایستیم که خودش را در برابر خدا هیچ می‌شمارد، نیازمند اوست و امید به رحمتش دارد.»[۱]

۲۳- در بیان ارزش و اهمیت قیام در نماز، چه شباهتی هنگام دیدار یک انسان شریف با عظمت و بزرگی خدا در قیام هنگام نماز وجود دارد؟

سؤال: آیا با کمی جلو یا عقب رفتن یا به سمت چپ و راست حرکت کردن، نماز باطل می‌شود؟

جواب: اگر در اندازه‌ای نباشد که از حالت نماز خواندن خارج شود، اشکالی ندارد، اما در هنگام حرکت نباید ذکرهای نماز را بگوید.

نقشه مفهومی

نقشهٔ مفهومی زیر را دربارهٔ قیام نماز کامل کنید.



۱ـ الأمالی صدوق، ص ۳۶۹

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

سؤالات پایان درس

◆ ۱ || توضیح دهید بین ایمان به ربّ و شجاعت چه ارتباطی وجود دارد؟

.....

◆ ۲ || فاطمه و دوستانش دربارهٔ یک مسئلهٔ دینی حرف می‌زنند. با اینکه حق با فاطمه است، اما همگی با او مخالفت می‌کنند. ریحانه به فاطمه می‌گوید: «وقتی به حرفت گوش نمی‌دهند، تو هم چیزی نگو.» اما فاطمه قبول نمی‌کند. به نظر شما چرا فاطمه حرف ریحانه را قبول نمی‌کند؟

.....

◆ ۳ | زنگ تفریح چند نفر از بچه‌ها با شوخی و خنده شروع به خط کشیدن روی میزها و دیوارهای کلاس می‌کنند. همه می‌خندیدند و تشویق می‌کردند. یکی از بچه‌ها شک دارد که چیزی بگوید یا نه؟ اگر شما جای او بودید چه می‌کردید؟

.....

چگونه می‌توان در چنین موقعیت‌هایی شجاع بود؟

.....

◆ ۴ || رضا می‌خواهد با کسانی که بدون دلیل نمازشان را نشسته می‌خوانند، صحبت کند و از زیبایی‌های قیام نماز نیز برایشان بگوید. شما او را راهنمایی کنید.

.....

◆ ۵ | حکم نماز هریک از شخصیت‌های زیر را با ذکر دلیل بیان کنید:

الف) خانم فرهمند به دلیل عمل جراحی و ضعف بدنی هنگام ایستادن احساس سرگیجه دارد. به ناچار نمازش را نشسته می‌خواند.

.....

ب) رانندهٔ اتوبوس دستش را گذاشته بود روی بوق. من هم برای اینکه سریع‌تر به اتوبوس برسم، رکعت آخر نمازم را نشسته خواندم.

.....

◆ ۶ || حسین از روی عجله، بعد از رکوع، بدون ایستادن و در همان حالتِ خمیده به سجده رفت. حکم نمازش چگونه است؟ چرا؟

.....

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

فعالیت‌های عملکردی

۱ نقشه مفهومی (فردی)

نقشهٔ مفهومی زیر، نمونه‌های شجاعت است. نقشه را کامل کنید سپس یک مورد را به دلخواه انتخاب کرده و برای آن داستان یا خاطره‌ای بنویسید. می‌توانید به سلیقهٔ خود، نقشه دیگری را طراحی کنید.



۲ مناظره (گروهی)

یکی از شیوه‌های دفاع از توحید، مناظره است که با آن آشنا شده‌اید. اکنون دو گروه سه‌نفره تشکیل دهید و برای موضوع داده شده یا موضوع آزاد، مناظره‌ای در کلاس اجرا کنید. معلم و سایر دانش‌آموزان نیز مناظرهٔ شما را طبق جدول زیر، داوری خواهند کرد.

موضوع: اطاعت از قدرت‌های زورگو، در زمان گذشته بیشتر بوده یا در جوامع امروزی؟

فرم داوری مناظره	+	امتیاز			−
	۵	۴	۳	۲	۱
۱ــ رعایت اصول اخلاقی (احترام به نظر دیگران، گوش دادن به نظر مخالف و...)					
۲ــ دوری از تعصب بیجا					
۳ــ انسجام و پیوستگی مطالب و ارائهٔ پرسش‌های مناسب					
۴ــ با دلیل سخن گفتن					
۵ــ بیان خوب و زیبا					
۶ــ تسلط کامل بر موضوع					
۷ــ نتیجه‌گیری و جمع‌بندی صحیح					
جمع امتیاز					

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

سؤال ۱: به نظرشما چرا راوی با وجود دانستن وظیفه اش، بازهم میترسید؟

پاسخ:

راوی می‌ترسید زیرا:

- **ترس ازقضاوت دیگران** :نگران بود که دیگران او را مسخره کنند یا از دستش ناراحت شوند.
- **ترس ازطرد شدن** :می‌خواست مورد پذیرش جمع قرار گیرد و دل دیگران را به دست آورد.
- **عدم تمرکزبروظیفه** :به جای توجه به "تکلیف الهی"، به "نتیجه اجتماعی" عملش فکر می‌کرد.
- **ضعف درتوکل** :هنوز به طور کامل به این باور نرسیده بود که اگر وظیفه‌اش را انجام دهد، خدا کارش را به بهترین شکل مدیریت می‌کند.

سؤال ۲: آیا شما هم درموقعیتی شبیه راوی بوده اید؟ چه ترس هایی مانع انجام کاردرست شده است؟

پاسخ (الگوی پاسخ برای دانش‌آموز):

بله، مثلاً:

- یک بار در مهمانی که دوستانم مشغول غیبت بودند، می‌دانستم باید اعتراض کنم یا آنجا را ترک کنم، اما می‌ترسیدم مرا "بهونه‌گیر" یا "خودمقدس" صدا کنند.
- یا زمانی که می‌خواستم در کلاس سوال بپرسم، از ترس مسخره شدن به خاطر ساده بودن سوال، سکوت کردم.

ترس‌های معمول:

- ترس از تمسخر
- ترس از تنها ماندن
- ترس از برچسب خوردن

سؤال ۳: بشیرچند بارگفت: "بقیه را به خدا واگذارکن." به نظرشما چرا این جمله اینقدرمهم است؟

پاسخ:

این جمله **کلید آرامش و شجاعت** است زیرا:

- **آزادی ازاسترس** :وقتی نتیجه کار را به خدا می‌سپاری، نگران عواقب آن نخواهی بود.
- **تمرکزبروظیفه** :انرژی‌ات را صرف "عمل به تکلیف" می‌کنی، نه "نگرانی از نتیجه."
- **ایمان عملی** :نشان می‌دهد که به قدرتمندی و مهربانی خدا واقعاً باور داری.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

- **پاسخ به راوی :**بشیر با تکرار این جمله می‌خواهد این اصل را در ذهن راوی تثبیت کند.

سؤال ۴: درقرآن آمده: «وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اگر ایمان دارید، برخدا توکل کنید). این آیه چه ارتباطی با حرف های بشیر دارد؟

پاسخ:

- **توکل = واگذاری کاربه خدا :**این آیه دقیقاً همان مفهومی را بیان می‌کند که بشیر به راوی می‌گوید: "کار خودت را بکن، بقیه را به خدا واگذار کن".
- **شرط ایمان :**توکل، نشانه و نتیجهٔ ایمان است. کسی که به ربوبیت خدا ایمان دارد، طبیعی است که کارها را به او واگذار کند.
- **پیوند با درس :**تملیخا و دوستانش نیز به همین دلیل شجاعت پیدا کردند؛ چون باور داشتند خدا کارشان را کامل می‌کند.

سؤال ۵: اگر دوستتان به شما بگوید: "با ما بیا، فقط این یک بارکارنادرست را انجام بده"، شما چه پاسخی میدهید و چگونه ازحرفهای بشیر استفاده میکنید؟

پاسخ (الگوی پاسخ برای دانش‌آموز):
"نه، من باید به دستور خدا عمل کنم. وظیفهٔ من این است که از این کار دوری کنم. بقیهٔ قضیه را هم به خدا واگذار می‌کنم. اگر شما ناراحت شوید، خدا قلب شما را به من برمی‌گرداند یا راه بهتری نشانم می‌دهد".

استفاده ازسخن بشیر:

- **تمرکزبروظیفه :**من باید از گناه دوری کنم (این وظیفهٔ من است).
- **واگذاری نتیجه :**نتیجهٔ این تصمیم (ناراحتی دوست) را به خدا واگذار می‌کنم.

سؤال ۶: آیا گذشت کردن همیشه نشانه ضعف است؟ چه زمانی گذشت، "شجاعت" محسوب میشود و چه زمانی "ضعف"؟

پاسخ:
گذشت، زمانی "شجاعت" است که:

- از روی **آگاهی** و **اختیار** باشد.
- برای **رضای خدا** باشد، نه ترس از دیگران.
- **حق الناس** باشد و باعث تضعیف حق نشود.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

گذشت، زمانی "ضعف" است که:

- از روی **ترس** یا **اجبار** باشد.
- باعث **تضعیف ارزش‌ها** شود.
- **حق الناس** ضایع شود.

مثال ازمتن :راوی از این می‌ترسید که گذشتش را "ضعف" تفسیر کنند، اما بشیر به او یادآوری کرد که اگر گذشت برای خداست، نباید از تفسیر دیگران بترسد.

سؤال ۷: به نظر شما "رمز شجاعت" از نگاه بشیر چیست؟ در یک جمله بگویید.

پاسخ:

رمز شجاعت از نگاه بشیر این است:

»خود را بندهٔ خدا بدان، فقط وظیفه‌ات را انجام بده و نتیجه را به خدا واگذار کن«.

🎯سؤال مفهومی برای دانش‌آموزان: قسمت تلنگر صفحه ۶۰

"اگر 'همرنگ جماعت شدن' شرط آرامش و راحتی در جامعه است، آیا انسان‌های بزرگ و تاریخ‌ساز، هرگز به آرامش و اقعی رسیده‌اند؟"

✨نتیجه‌گیری از این گفت‌وگو:

شرح	نکته کلیدی
گاهی "رنگ جماعت" با ارزش‌های انسانی و دینی در تضاد است	همرنگ جماعت ≠ همیشه خوب
شرمندگی موقت در راه حق، از خواری ابدی در پناه باطل شرافتمندانه‌تر است	رسواییِ حق‌ستیز بهتر از پذیرش باطل
پیامبران و مصلحان، "جریان‌ساز" بودند نه "جریان‌پذیر"	تاریخ، قهرمانانِ تغییردهنده را به خاطر می‌سپارد
وقتی به ضعف خودت نگاه کنی می‌ترسی؛ وقتی به قدرت خدا نگاه کنی، قادر به هر کاری می‌شوی	منبع شجاعت: توکل بر خدای قادر

💡پیام اصلی برای نوجوان:

"تو دو انتخاب داری:

- **همرنگ جماعت شوی و آرامش کوتاه‌مدت پیدا کنی**
- **رنگ الهی به جامعه بدهی و نامت در تاریخ جاودان شود**

انتخاب با خودت است؛ اما بدان هر بزرگِ تاریخ، روزی یک "ناهمگون" بود"!

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

این سؤال و نتیجه‌گیری، دانش‌آموز را به **چالش ذهنی** و **خودارزیابی اخلاقی** دعوت می‌کن

جواب ایستگاه تفکّر صفحه ۶۰

تحلیل هر مورد با استناد به محتوای درس:

۱. بیان حرف حق

- **شجاعت است چون:**
  - نیازمند **ایستادگی در برابر فشار جمع** است (مثل تملیخا در برابر دقیانوس)
  - ممکن است به **طرد شدن** یا **مسخره شدن** بینجامد (مانند ترس‌های راوی از قضاوت دیگران)
  - **مستلزم توکل بر خداست** (همان چیزی که بشیر به راوی آموخت.)

۲. دوری از گناه

- **شجاعت است چون:**
  - نیاز به **مقاومت در برابر وسوسه‌ها** دارد
  - **ترک مجلس گناه** از نمونه‌های مستقیم مطرح‌شده در متن درس است
  - **پیروی از دستور خدا** به جای دنباله‌روی از خواست دیگران (تمرکز بر وظیفه به جای نتیجه)

۳. مخالفت با عقاید خرافی

- **شجاعت است چون:**
  - همان **مناظره امام رضا(علیه‌السلام)** با دانشمندان ادیان، نمونهٔ کامل این شجاعت فکری است.
  - نیاز به **ایستادگی در برابر سنت‌های نادرست** دارد.
  - ممکن است شخص را در معرض **اتهام و تکفیر** قرار دهد.

ارتباط با "رمز شجاعت" درس:

این سه مورد، **مصادیق عملی "شجاعت مبتنی بر ایمان "**هستند که رمز اصلی آن در این درس، **"توکل بر خدا و انجام وظیفه "**است:

ارتباط با رمز شجاعت	مصداق شجاعت
انجام وظیفهٔ "امر به معروف" بدون ترس از نتیجه	**بیان حرف حق**
اطاعت از دستور خدا به قیمت از دست دادن محبوبیت	**دوری از گناه**
دفاع از حقیقت در برابر جریان غالب	**مخالفت با خرافات**

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

کانال تلگرام: أَنَا و طُلّابي @Hdehghan۱۳

نتیجه‌گیری برای دانش‌آموزان:

شجاعت فقط شمشیرزدن و جنگیدن نیست؛
گاهی **"نه" گفتن** به یک درخواست نادرست،
گاهی **سکوت نکردن** در برابر یک حرف ناحق،
و گاهی **ایستادن** در برابر یک باور غلط،
بزرگ‌ترین شجاعت‌های زندگی است.

این‌ها همان **شجاعت‌های روزمره** است که از **ایمان به ربوبیت خدا** سرچشمه می‌گیرد.

سؤالات بخش احکام :

سؤال ۱ (ارتباط محتوایی با موضوع شجاعت):

سؤال: در این داستان، راوی پس از آسیب دیدن پا، همچنان به مسجد می‌رود. این اقدام چه ارتباطی با موضوع اصلی درس یعنی "شجاعت" دارد؟

پاسخ:
این عمل نشان‌دهنده‌ی **شجاعت معنوی** است؛ همان‌گونه که تملیخا و یارانش با وجود خطر، ایمان خود راحفظ کردند، راوی نیز با وجود درد و ناراحتی، به عبادت و انجام تکلیف الهی پایبند می‌ماند.

سؤال ۲ (تحلیل اخلاق - تربیتی):

سؤال: پاسخ حاج‌آقای محمدی ("وقتی می‌توانی پنج دقیقه با بندگان خدا حرف بزنی، با خدا هم می‌توانی") چه پیام تربیتی درباره‌ی **اولویت‌بندی درزندگی** دارد؟

پاسخ:
این پاسخ به ما می‌آموزد که:

- برای **کارهای دنیوی** اگر بتوانیم سختی بکشیم، برای **عبادت** بهانه‌تراشی نکنیم.
- گاهی انسان برای چیزهای کم‌ارزش، سختی می‌کشد، اما برای ارزشمندترین کار (نماز) به دنبال راحتی است.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

سؤال ۳ (استخراج حکم شرعی):

سؤال: با توجه به توضیحات حاج‌آقا، در چه شرایطی می‌توان نماز را نشسته خواند؟

پاسخ:

در دو شرایط:

۱. **ناتوانی کامل از ایستادن**)مثل شکستگی پا(

۲. **ایستادن باعث ضرر جدی یا تشدید بیماری شود**

سؤال ۴ (درک مفهوم رکن):

سؤال: اگر کسی در نماز، به دلیل فراموشی، قیام قبل از رکوع را ترک کند، حکم نمازش چیست؟ چرا؟

پاسخ:

نمازش **باطل است**، زیرا قیام قبل از رکوع **رکن نماز** است و ترک رکن – حتی از روی فراموشی – باعث بطلان نماز می‌شود.

سؤال ۵ (کاربرد عملی در زندگی):

سؤال: اگر شما در موقعیتی مشابه راوی قرار بگیرید (درد پا اما توانایی ایستادن)، چگونه بین "راحتی خود" و "کمال عبادت" تعادل برقرار می‌کنید؟

پاسخ:

- اول **توانایی خود** را به درستی ارزیابی می‌کنم.
- اگر ایستادن **مضرب جدی** ندارد، با توکل بر خدا و برای **کمال عبادت** می‌ایستم.
- اما اگر واقعاً ایستادن برایم **مشکل جدی** ایجاد می‌کند، با نشسته خواندن نماز، هم تکلیفم را انجام می‌دهم و هم از آسیب جلوگیری می‌کنم.

سؤال٦ : حاج حسین آقا با بیان طنزآمیز "بعضی‌ها آنقدر نازک‌نارنجی هستند که..." چه نکتهٔ تربیتی مهمی را بیان می‌کند؟

پاسخ:

ایشان به ما هشدار می‌دهند که:

- نباید به **بهانه‌های واهی** از انجام کامل فرائض دینی شانه خالی کنیم.
- **سخت‌گیری بی‌جا** در استفاده از رخصت‌های شرعی، نوعی **سستی در ایمان** است.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

- باید **میانه‌روی** را در بهره‌گیری از آسان‌گیری‌های شرعی رعایت کنیم.

سؤال ۷ (استنباط حکم شرعی):

سؤال: با توجه به سخنان حاج حسین آقا، "ضرر داشتن ایستادن" چگونه تشخیص داده می‌شود؟ آیا هر دردی مجوز نشسته خواندن نماز است؟

پاسخ: خیر؛ "ضرر" به این معناست که:

- ایستادن **باعث تشدید بیماری** شود.
- **درد غیرقابل تحمل** ایجاد کند.
- **طول درمان** را افزایش دهد.
- تشخیص آن بر اساس **عرف پزشکی و عقلایی** است، نه هر درد جزئی.

سؤال ۸ (درک مفهوم عبودیت):

سؤال: حاج‌آقای محمدی در ادامه، "قیام در نماز" را به "دیدار با انسان بزرگ" تشبیه کردند. این تشبیه چه ارتباطی با موضوع **شجاعت** دارد؟

پاسخ: این تشبیه به ما می‌آموزد که:

- **شجاعت** فقط در میدان جنگ نیست؛ گاهی در **ایستادن (قیام) دربر ابر خدا** با وجود تمام ضعف‌ها و مشکلات است.
- همان‌طور که در دیدار بزرگان، **آداب** را رعایت می‌کنیم، در نماز نیز باید **کمال ادب** را در پیشگاه خدا داشته باشیم.
- این **ادب و خضوع**، خود نوعی **شجاعت معنوی** است.

سؤال ۹ (کاربرد عملی):

سؤال: اگر شما در شرایطی باشید که ایستادن در نماز برایتان **سخت اما ممکن** باشد، چگونه بین "ادای کامل نماز" و "پرهیز از ضرر" تعادل ایجاد می‌کنید؟

پاسخ:اول **و اقع‌بینانه** شرایط را ارزیابی می‌کنم.

- اگر ایستادن **مشکل جدی** ایجاد نمی‌کند، سعی می‌کنم برای **کمال عبادت** بایستم.
- اگر واقعاً **مشکل‌زا** است، از رخصت شرعی استفاده می‌کنم.
- مهم‌تر از همه، **نیت خالص و ادب درعبادت** را حفظ می‌کنم.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

سؤال ۱۰ (ارتباط با محتوای درس):

سؤال: این جمله که "بنده خودش را در برابر خدا هیچ می‌شمارد" چه ارتباطی با "توکل بر خدا" که در بخش اصلی درس به آن پرداخته شد، دارد؟

پاسخ: توکل =اعتماد به قدرت خدا به جای تکیه بر قدرت خود

- **هیچ شمردن خود** =شناخت ضعف‌های خود در برابر عظمت خدا
- این دو مفهوم **مکمل یکدیگر** هستند: وقتی خود را هیچ بدانیم، طبیعی است که فقط بر خدا توکل کنیم.

سؤال ۱۱ (ارتباط با توکل):

سؤال: ایستادن در نماز با وجود درد، چگونه می‌تواند نمونه‌ای از "توکل بر خدا" باشد؟

پاسخ: چون شخص با توکل بر خدا و برای رضای او، سختی را تحمل می‌کند و مطمئن است که خدا او را **یاری می‌کند** .این، همان "واگذاری کار به خدا" است که در بخش اصلی درس به آن تأکید شد.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس